



# در حاشیه کودتای خونین شاه علیه مردم

تخله کودتای شاهانه مردم که با قتل عام هزاران زن و مرد و کوه ها و خیابان های تهران آغاز شد، بدرگاج سفید و آتشکند زیر نظر مستقیم کابینه و مدافعان باارسطی بشر طرزی گردید. چند روز پیش از هجوم خونین شاه به مردم، اردشیر زاهدی که کودتسا گری طبع مردم ایران در عین آن اوج صورت موزایی در آمده است، در ساعات اولیه شب گذشته به اتفاق یکی از شخصیت های مهم کاخ سفید و آتشکند در اعتراضی کابل وارد تهران شد. حامی کوشش ها و اقدامات احتیاطی به گایرود شد تا هتایت همراه آمریکا می زاهدی مانی نشود.

و تئ کودتای حنا پیکار نامه ای براه انداختن درباری از زمین اسلام شد. گارتز با شخص فراوان سیاسی جاودانید کودتای حنا پیکار نامه "ممنوع" خونین برای شاه فرستاد کشتن آن نیز با قتل و زنجیر و در روزی نامه ها زیر سانسور رهنم چاپ شد. گارتز در این پیام حمایت کامل خود را از کودتای شخصی شاهانه عنوان بهترین توبه و فلاح و راه امیرالاسلام یا حسن در منطقه اعلام داشت.

در روزهای پی از کودتای خونین همبردی حد انظارلی جویس با اولیوسی در روزنامه ارگان خود به حمایت از شاه کودتای کورگرتز سرگوب جنبی مل و دیوگارتز مردم ایران قلم نرسان می کرد و روزی نامه های کوفتندی ایران با شخص فراوان از آن یاد کردند.

در اول هفته گذشته کابینه اسرائیل جلسه فوق العاده ای در تهران برای بررسی اوضاع ایران تشکیل داد. عضویت ها با اسرائیل از آن می آید که در روز یکشنبه به امیرالاسلام شاه سرگوب شد. و ایران در آن جلسه کوشش های خود را با اسرائیلی و شخص عضویتش فراگرتز و سه نماینده از ایران های حق طلبانه فریب از ادانه ارسال نشانای ایران به اسرائیل که ناشین جنگ و تجاوزگران راه حرکت در می آید و

حاکموری کند.

در حالی که هنوز تعداد اذوق شدید ای جمعی خونین تهران مشخص نیست، گزارش های رسیده حاکی است که تا صبح گذشته کشته بیش از سه هزار جوان در آن آماج شد. در گورستان بهشت زهرا صادر شده است و این در حالی است که هر روز آحاد تازه ای به این گورستان آورده می شود. احسا از ناهایی که به دست کاتران سرگوب شده بودند بسیاری از آنها تنها از آنجا که با پاسنامه مورد اصابت گلوله در زمین قرارگرفته بودند در حالی از آنجا که آنگهان شامی و سوانا خون به آنها وداویشان در میان رستان ها حلگوری کرده اند. بر اثر خونریزی شدیدی میزورده اند.

گزارش ها حاکی است که در روز جمعه خونین به دنبال گولسه بازاران و حشمانه مردم، بدر بسیاری نقاط بوله زهرا احسان شد. از خیابان ها جمع کرده و در کابینه هایا و تشریفهت و ملازمان آن هارا که احتیاطا احسان نرسیمان جز در میان آنها کم نبودند با به مایان های حصارک و ششیری برده و در گوه های حمی در نرسین کرده اند.

در طول هفته گذشته اجساد و دها سوزان و اسر شهید را که از فرمان در زخمیان در مورد تیراندازی به مردم سرچسبی کرده بودند با طبع جنایات و صحنای های رزم در یادگان حادثه به طفسیان رز در بودند و در کارهای مردمی حان باخته بودند. در به بهشت زهرا آوردند. سه تن از آن سوزان "گارتز شانهسی" بودند که از یادگان گریخته بود بودند مردم می بودند و هنگامی که در محاصره مزدوران قرارگرفته بودند تا مردم متنگ حشکده بودند و سرانجام در تن از آنها در میان این تیراندازی شهید شده بودند و نر سوم توسط در زخمیان تیرباران شده بود.

## تصحیح و پیوستش

مستفانه در باره ای از نسخه های شماره گذشته بود اشتباه من داده که بدین وسیله تصحیح کرده و از خوانندگان پیوستش من خواهم. در صفحه دوم شماره گذشته (مستقبل) عبارت زیر درج است:

... این رهبران پای مست کردند. بعضی از آنها تئسی چند از طببا شمعیل صوسی براه بهمانی امتراضی بزرگ جنبه را که برای بزرگداشت خاطره شهید ای هفته های اخیر تیران و امتراضی به سناکی های رژیم شاه انجام می شد به طور مستقیم با طوسی رز کردند و هر چند عطاغری رابه آینه بدین تاریخ موزول نبودند، در برخی دیگر - تن چند از رهبران سیاسی - بر نامه هلی خود راتعدیه گردیدند و با حذف راه بهمانی بر نامه هزار آری و عطاغرات امتراضی رابه اختراع در صاجد محدود ساختند.

## بواذر از تئسی، چرا...؟

ارتجاع سیاه شاهنشاهی را این در خود می کنند، تا حد و بد بهسار زبانی تئسی سو" استاد های است که ارتجاع از تئسی قدرت تیرهای مسلح می کند. اما کاش ما در امران و در سه ایران و سپاهیان صیبت پرست و از اجزای وظیفه تنگیس که رژیم بر عهد تئسی داشتند خود ناراضی بودیم و تئسی ختم و ناختمودی و بیگانه میانه مردم کاخ بر نکست استند اصلاحتی و ظانگوری شاه را در مردم ایران و به مساطر تئس مدلی و شد در موزگارتی راه خواهد چه.

سپاهیان در همه دوران و اسمران فرستادند! کشته گریزی حزب توده ایران در تمام دوره به مردم ایران از حمله شمارا بر اعوانان است که:

" هرگز فراموش نکنید که بعضی از مردم ایران هستند. و رژیم من بخواهد شماره به سرگوب کشته خشن مردم که در راه استقلال آزادی تیر می کنند، بدل نماید. دستور در زخمیه شاه و دیگر کله در - برای تیراندازی به برادران و خواهران خود احرانکند! به مصروف مردم می بودند و باز شمارهای مردم با تمام نیرو بدامنه نماند!

بگذرید نام نیروهای مسلح ایران در لویه بر امتراضی های هوا از استقلال آزادی و پیشرفت احتیاجی نیست کرد!

های سیاسی خود را که از یک سمت باید مصروف به مبارزه در راه آزادی های سیاسی برای مردم ایران زمینه ها و شرایط مساعد ساختن های صمی و اقتصادی کرد، به طور مستقیم وند از در یک طرفت استیضاحات سیاسی سامان دهند. کارگران در یکی در هفته اخیر با خبر سه شخصی خود می بودند که مبارزه سیاسی و مبارزه سیاسی آنها، در روی یک سه است. این آرزوی بود که ماسک تجربه تیراندازی های اخیر سرودند و واقعی تر از آب در آمد. اما تصمیم این کابینه که تشنگ کارگران را در آن حزب سیاسی وظیفاتی که به جهان هم طلع سوسیالیستی محصور است و در همین مبارزه در راه آزادی سیاسی شنه کارگران دیگر صفات احتیاجی، در راه آزادی واقعی و همیشگی کارگران هرگونه بوهی آزادی از هر نوع سستی، آزادی از هر دو استار و شخصیت می بود و این ضرورت، الزام آوری کند. حزب توده ایران با شناختن و تمام زوم پس و فقه در امر پیشبرد جنبش کارگری و تحقق آزادی و آلا و نجات جنبش این هفته که ریشانی تاریخی به عهد در دارد، بویعه ای را که حصار در برابر خود قرار داد، بهار نیست از رهبری حشمانه قضاتی کارگران، سارباندهی این سارز در هر شکل آن، بهر حال هم در ششک سوسیالیستی (مبارزه برای براد احش نظام صفاتی اشتراکی روسی در پی حاشیه سوسیالیستی) و هم در شکل سوسیالیستی آن (مساروه طبع سلطنت مطلقه برای به دست آوردن آزادی های سیاسی موزگارتز گرد نظام سیاسی احتیاجی - و همواره برابری مفید بوده است که

شما نیز کرد کارگران از هر طیفی و اقتدار موزگارتز و محاسف سلطنت مطلقه، و امر آزادی اصل استقلال سازمان های کارگری از دیگر سازمان های سیاسی، به همس گشتن سوسیالیستی و کسودت تئسی حشمانه صوسی خلق که در حال حاضر با تمام توان خود به دز های فرسوده و آشفته اند و قدرت مطلقه می تازد، هست، برعکس این تازی با ورا در در سنخ مودن سازمان و حزب سیاسی حیف کارگرس بافت استحکام و اسام و درون جنبش توسعه مید ان مانی و حرکت آن می شود، چرا که به گشت پتواری گستر آید.

فقط سازمانی خودمندی که روی جامع واقعی دروا شده صفات صمی نگه کنند، هرگز برده نشین به روی این جامع صفاتی که در حاشیه امروسی است، عهد را ایجاد می کند، فقط به تصحیح سوری مبارزان خواهد انجامید.

بر شالوده این در ماعت است که حزب توده ای که در رهبریت امتراضی حشمانه کارگران ایران را بر دوش دارد، به مبارزان و حامس برای پیشبرد ناطع امروطیه کارگرو جنبش انقلابی و گسترده خلق های ایران در این تجربه تاریخی حشمانه در هر کارخانه و هر کارگاه محل های توده ای تشکیل دهد و با آنها بر مرکز حزب تئسی بگردد! خطاب مانه کارگران مبارزان ایران که در نظام های سیاسی ردها اخیر سوسیالی از آنان آماج گلوله های جاننا بد زخمیان رژیم حشمانه رضاتش فراگرتزند، اینست:

سازمان های صمی واقعی خود را احیا کنید، دست بگشایید کارگری را در هر کارخانه و هر کارگاه به دست های محکم طاووت همه سگرتو کارگرتز بسازید و آنها را از جنگال بادی استند از هر دو مبارزه و در صورت لزوم به باری آگاه تیر و مبارزین حاضر کارگران سازمان های صمی حشمانه تشکیل دهید و مبارزات صمی و سازمانی کارگری را سازماندهید و با همون تئسی که این مبارزات را فرسود و تشنگ کارخانه به یاند رشته تئسی و وارکله رشته تولید به به تمام رشته ها، به پای همه حشمانه کارگرتز را رویه غرور و افتدای تازه است، مستقیم نیرومند سازید و در ریز در جنب حزب خود، حزب توده ایران، در پیشانی حشمانه صمی مل و موزگارتز ایران گام بردارید!

## سوگند سوگواران در بهشت زهرا

پنجشنبه گذشته محار ف با شب هفت شهید ای جمعی خونین تهران بود، در حدود ۲۰ هزار تن ارتضای ای عواد و وابستگان شهید در گورستان بهشت زهرا دست به عطاغرات چند ساعته بر نشو کردند. در وجود این سوگواران کوی اندوه به نیو بدل شده بود. این نیروی خشم و کین در شمارهای خود فروخته شاه، در تارهای حنا ت و کاتو رخن آشاد و دشمنی آزادی و خلق های ایران، در محکوم گردن رژیم ایران بر باد و نوکر امیرالاسلام ششکمانی شد. با وجود آن که شاهد کوشش زهرا در محاصره کامل نیروهای ارتش بود، همبردی در بین عطاغرات گان و نظامیان رخ داد.

عطاغرت گان حشمانه سوزان شیدی را روی دست می بردند با شعار "برادر ارتشی شهید راه حق شد"، "در دوره سربازت شهید" از فرزند شهید مردم که با لباس سبزی به صف مردم بهشت وحان خود

## وظایف طبقه کارگر...

کارگرانی که تیرباران شدند و حشمانه رفقای خود را در حرمان اختصا با شکر هند کارخانه جهان جهت کارخانه های سانجی تاهی، کارخانه شکر تیران و کارگران کوه برحانه و دها متنا به دیگره میسای بد به دورند، این مبارزه حشمانه طرد موزگارتز مردم، حکومت مطلقه را از دهن هر طبقه ساخته می دست و پا داشته است، بعد از حشمانه سوزان مبارزات و فعالیتات خود با شدت و اثرات آزادی های سیاسی - حشمانه در کم رنگ ترش مخلو ها و در زمین های مند و نا - همبردی رنگی خود و فعالیت سازمانی و صغی اقتصادی و روه حشمانه - حشمانه و در مبارزات اختصا با سرگوب های کارگری، با گوتت پیوست خود اسامی گردید. اما به شکر به پی بردن که مبارزه در راه حواس های صغی و ارتضای حشمانه کارگر از مبارزه در راه آزادی های سیاسی حشمانه است و این مبارزه که نین با یاد کارگر با هم صمی سرگوب، دست خود را به این استوار کرد:

طبقه کارگرتز تسلط سلطنت مطلقه نمی تواند مبارزه خود را در همه گسترده ای تشکیل بدهد. طبقه کارگر نمی تواند مواضع حشمانه در زمینه اقتصاد تیر و در زمینه سوسیالیستی حشمانه به دست آورد. طبقه کارگرتز نتواند سازمان های توده ای استواری ایجاد کند و در برابر همه زشتگان پرچم انقلاب اجتماعی راه اختیار سازد. طبقه کارگرتز نتواند به توده ها مبارز کند. فقط در شرایط آزادی سیاسی است که مبارزه قاطع طبقه طبقه کارگرتز به پیشبرد موزگارتز امکان پذیر است و هدف نیایی مبارزه هم آن است که بوی تارباری قدرت سیاسی رابه دست آورد و حاشیه سوسیالیستی را برقرار سازد.

اینکه با زدن عمای سیاسی و تقویت آزادی های موزگارتز برای حشمانه کارگری محم آب و هوادار دارد، نباید به این سوگند صغی خود که کارگران به حکم جامع و صالح خود ناگزیرند با هر حرکت و سرره در موگرتز اختصا به به ستر با مظاهر استند اصلاحتی و احتیاجی سیاسی بر می خورد، بهامیزند و در آن حل نشود، باید این تمیر طلع را به دست آورد که کارگران خودمندی نیاله روهیاه هر حزب و دست ای که مخالف سلطنت مطلقه و دیکتاتور است، خودمندی برعکس تمامی احزاب سازمان ها و کارگان های بوزاری و همبردی بوزاری که در شرایط امروز ایران با تمام ها و شمارها و دها اسامی حشمانه به ستر با دیکتاتور استند و در آن حشمانه، حشمانه و استقلال سوسیالیسم سرمایه در ای، همو کامل استوار و صن صفاتی این می بودی فراخیزد نظرات کارگرتز و سوسیالیسم مارت "اصاحه آوری" حشمانه است.

# برای سرنگونی استبداد سلطنتی و استقرار جمهوری ائتلافی ملی متحد مبارزه کنیم!